

**سه شنبه 3 مهر 1397-15 محرم 1440-25 سپتامبر 2018**

رحلت فقیه بزرگ آیت الله "میرزا ابوالقاسم کبیر قمی" (1313 ش)



رحلت فقیه بزرگ آیت الله "میرزا ابوالقاسم کبیر قمی" (1313 ش)  
 آیت الله شیخ ابوالقاسم کبیر قمی در سال 1262 ش (1280 ق) متولد گردید و پس از طی مقدمات و سطوح در قم، از وجود آیات عظام: میرزا خلیل تهرانی نجفی، آخوند ملامحمد کاظم خراسانی و سیدمحمد کاظم یزدی در نجف و میرزا محمد حسن آشتیانی در تهران بهره‌رسانی‌ها وافر یافت. آیت الله قمی پس از آن، از نظر علمی در مرتبه‌ای قرار گرفت که برخی وی را بر آیت الله العظمی حائری یزدی، مؤسس حوزه علمیه قم ترجیح می‌دادند. با این حال ایشان فداکاری عجیبی نسبت به آیت الله حائری از خود نشان می‌داد، به گونه‌ای که می‌فرمود: نظر به منزل ایشان ثواب دارد. شخصیت‌های برجسته‌ای همچون آیات عظام: امام خمینی، سیدمحمد رضا گلپایگانی، آخوند ملا علی همدانی، سیدمصطفی صفایی خوانساری و ده‌ها عالم فاضل دیگر از جمله شاگردان ایشان می‌باشند. آیت الله کبیر قمی سرانجام در سوم مهر 1313 ش برابر با پانزدهم جمادی‌الثانی 1353 ق در 73 سالگی به رحمت ایزدی پیوست و در مسجد بالاسر حرم حضرت معصومه (س) مدفون گردید.

انتخاب شهید مهندس "محمدجواد تندگویان" به وزارت نفت دولت شهید رجایی (1359 ش)  
 با انتخاب شهید رجایی به نخست وزیر و معرفی کابینه به مجلس در مرداد 1359، برخی از وزارتخانه‌ها از جمله وزارت نفت بدون وزیر باقی ماند. در دوم مهر آن سال از سوی شهید رجایی، مهندس محمد جواد تندگویان برای وزارت نفت معرفی شد. نخست وزیر در معرفی ایشان به مجلس، از فعالیت‌های تخصصی وی در صنعت نفت یاد کرد و از مهارت‌های وی از چاه‌ها که در مطبوعات خارجی نیز انعکاس یافت به عنوان بخشی از توانایی‌های ایشان نام برد. پس از سخنان موافق و مخالف، مهندس تندگویان با اکثریت قاطع آرا به عنوان وزیر نفت دولت شهید رجایی از مجلس رأی اعتماد گرفت. سرانجام چهل روز بعد در 12 آبان 1359 در جریان بازدید از مناطق نفتی خوزستان به همراه جمعی دیگر به اسارت نیروهای متجاوز عراقی درآمد تا این که پس از تحمل شکنجه‌های بسیار و شهادت ایشان، جنازه شهید تندگویان در سال 1370 به ایران منتقل شد و در بهشت زهرا مدفون گردید.  
 ورود نمایندگان طایفه "تَخَع" به مدینه و پذیرش دین اسلام (11 ق)

از هنگامی که پیامبر اسلام (ص) دین اسلام را در مکه‌ی معظمه آشکار ساخت و تا سالی که در مدینه‌ی منوره رحلت نمود، به مدت بیست سال مردم را به دین جدید فرا خواند و آنان را از شرک، کفر و بت‌پرستی بازداشت. در این مدت بسیاری از اهالی شبه جزیره‌ی عربستان با میل و رغبت باطنی خویش، دین اسلام را پذیرا شده و خود را از گمراهی‌های رهایی بخشیدند. بنا به روایت تاریخ‌نگاران، آخرین هیئت و گروهی که بر پیامبر (ص) وارد شده و اسلام اختیار نمودند، طایفه "تَخَع" بود. از این طایفه، حدود دویست تن در نیمه‌ی محرم سال 11 قمری وارد مدینه شده و به محضر رسول خدا (ص) رسیده و با آن حضرت بیعت و اظهار اعتقاد و ایمان به دین مبین اسلام نمودند. این هیئت، آخرین گروهی بودند که بر رسول خدا (ص) وارد شدند و این واقعه، پس از بازگشت آن حضرت از حجة‌الوداع بود و چهل و سه روز بعد، آن حضرت دار فانی را وداع گفت و روح بلندش به ملکوت اعلی پیوست. لازم به یادآوری است که "مالک بن حارث اشتر تَخَعی" فرمانده سلحشور و یار فداکار امیر مؤمنان (ع) از همین طایفه است و از مردان این طایفه، فداکاران فراوانی برای حضرت علی (ع) و اهل بیت عصمت (ع) تربیت نمود.  
 مرگ "راجر بیگن" فیلسوف، شیمی‌دان، نویسنده و کشیش انگلیسی (1294 م)

راجر بیگن، فیلسوف و مدرس معروف انگلیسی در 11 آوریل سال 1214 م در انگلستان به دنیا آمد. او سپس در دانشگاه‌های آکسفورد انگلستان و پاریس به تحصیل و سپس تدریس پرداخت. بیگن از آن پس به عنوان کشیش به خدمت مشغول گردید. او در این زمان در زمینه علم کیمیا مطالعاتی نمود و دریافت که چگونه می‌توان باروت ساخت. موفقیت بیگن در کارهای علمی حسادت همکارانش را برانگیخت. از این رو او را به جادوگری متهم کردند و به ده سال زندان محکوم شد. بیگن در زندان، یک تقویم اصلاح شده و صحیح تهیه کرد و پس از اتمام دوران زندان، بار دیگر به کارهای علمی روی آورد. وی در این زمان دایرةالمعارف تصنیف عظیمی را که شامل علوم طبیعی، منطق، فیزیک، ریاضیات، فلسفه و زبان‌شناسی بود نوشت و بار دیگر به اتهام نگارش کتب ضالّه به مدت دوازده سال به زندان افتاد. بیگن پس از آزادی از زندان، مطالعات خود را از سر گرفت و کتب متعددی نگاشت. بیگن به علوم طبیعی و تجربه و مشاهده مستقیم اهمیت می‌داد و به همین جهت او را از پیشروان روش تازه علمی شمرده‌اند. وی معتقد بود که علم، مکمل دین است نه مخالف آن. اهمیت فلسفه راجر بیگن در شمول آن بر افکار مبتکرانه و جدید نیست. زیرا وی به بسیاری از افکار خرافی آن زمان هم‌رنگ بود. چون کیمیا و علم احکام نجوم اعتقاد داشت. سهم عمده وی در دانش جدید، اصرار وی در به کار بردن روش علمی در مطالعه فلسفه است. وی علت جهل و نادانی را چهار چیز می‌دانست:

اتکا به اسناد و مآخذ غیرموثق، پیروی کورکورانه از آداب و رسوم، تقلید کورکورانه از بالا دست و عادت به تبعیت از عامه جاهل و پنهان داشتن حماقت؛ها با تظاهر به دانایی. بیکن بر این عقیده بود که برای به دست آوردن دانش و حکمت، دو راه وجود دارد: تجربه و عقل، و باید برای رسیدن به حقیقت، اندیشه؛های خود را بر پایه دانسته؛ها قرار داد. بیکن هم؛چنین یکی از بزرگ؛ترین دانشمندان قرون وسطی به شمار می؛رود که به شدت، روش؛های فلسفی عهد خود را مورد انتقاد قرار داده است. راجر بیکن سرانجام در 25 سپتامبر 1294م در هشتاد سالگی درگذشت.